[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]

[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

فصلنامه حسابداری مالی/سال سیزدهم/ شماره ۴۹/بهار ۱۴۰۰/صفحات ۳۰- ۱

تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی

محسن صالحی‌نیا*
علی تامرادی **
ابراهیم سپهری ***

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

چکیده

معاملات با اشخاص وابسته ممکن است به‌طور فرصت‌طلبانه‌ای توسط مدیران در جهت کسب منافع شخصی استفاده شود. ازاین‌رو، شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته، با استفاده از روش‌های خاص حسابداری به دست‌کاری اطلاعات صورت‌های مالی می‌پردازند که این کار احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، یکی از موضوعات مهم که سیاست‌های گزارشگری شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباطات سیاسی است. لذا بر پایه این استدلال‌ها، پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی صورت گرفته است. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ انتخاب گردید و با بهره‌گیری از مدل رگرسیون لجستیک اطلاعات آن‌ها مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد معاملات با اشخاص وابسته تأثیر مثبت معنادار بر تجدید ارائه صورت‌های مالی دارد. همچنین ارتباطات سیاسی (اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت) موجب کاهش رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود و ارتباطات سیاسی

* استادیار حسابداری، واحد بین‌المللی خرمشهر - خلیج‌فارس، دانشگاه آزاد اسلامی،خرمشهر، ایران (نویسنده مسئول)
Email: research@mohsensalehinia.ir
** کارشناسی ارشد حسابداری، واحد بین‌المللی خرمشهر - خلیج‌فارس، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران
Email: tamoradi001@gmail.com
*** عضو هیئت علمی و مربی گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
Email: Sepehri@pnu.ac.ir

(اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت) نیز موجب افزایش رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، تجدید ارائه صورت‌های مالی، معاملات با اشخاص وابسته.

۱- مقدمه

معاملات با اشخاص وابسته در رسوایی‌های اخیر شرکت‌های بزرگ نظیر انرون و آدلفیا نقش مهمی داشته است. معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند برای گمراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مورداستفاده قرار گیرد. مدیران به‌واسطه رفتار فرصت‌طلبانه، انگیزه دارند از چنین معاملاتی به نفع خود و در راستای تصاحب منابع سهامداران اقلیت استفاده کنند (مارچینی، مزا و مدولی[1]، ۲۰۱۸). ازآنجاکه معامله با اشخاص وابسته، مخفی‌کاری و تقلب مالی را تسهیل می‌کند، شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته، تمایل به انتخاب روش‌های حسابداری و تولید اطلاعات مالی دارند که از شفافیت و کیفیت کمتری نسبت به سایر شرکت‌های مشابه برخوردار باشد تا امکان تشخیص معاملات غیرقانونی با اشخاص وابسته توسط سرمایه‌گذاران حداقل شود و یا از هرگونه نظارت توسط سایر ذینفعان خودداری نمایند (حاجی‌ها و آزادزاده، ۱۳۹۷). از سوی دیگر انگیزه‌های فرصت‌طلبانه مدیریتی برای کاهش کیفیت گزارشگری و تولید اطلاعات مالی نادرست با تجدید ارائه صورت‌های مالی مرتبط است (سیورس و صوفیکانیتش[2]، ۲۰۱۸). شرکتی که صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه می‌کند، می‌پذیرد که اشتباه بااهمیت یا رویه‌ای نادرست در صورت‌های مالی دوره یا دوره‌های گذشته خود داشته است (خواجوی، قدیـریان‌آرانی و فتاحی نافچی، ۱۳۹۳). هرچند تجدید ارائه صورت‌های مالی، همواره نشانه تقلب نیست و در طیفی از اصلاح اشتباه‌های سهوی تا گزارشگری متقلبانه قرار می‌گیرد، ولی به‌سادگی می‌تواند سرپوشی برای رفتارهای متقلبانه مدیریت به کار گرفته شود (حساس‌یگانه و تقی‌زاد، ۱۳۹۴). ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌تواند نشان‌دهنده وجود ضعف در سیستم حسابداری، گزارشگری مالی و تلاش‌های فرصت‌طلبانه مدیریت برای دست‌کاری اطلاعات مالی از طریق استفاده از روش‌های حسابداری نامناسب در زمان تهیه گزارش‌های مالی باشد (جیانگ، حبیب و ژوو[3]، ۲۰۱۵).

1 Marchini, Mazza & Medioli
2 Sievers & Sofilkanitsch
3 Jiang, Habib & Zhou

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

تجدید ارائه صورت‌های مالی علاوه بر تغییر اصول، رویه‌های حسابداری و انگیزه و نوع نگرش مدیریت به گزارشگری مالی، به نفوذ مدیریت در فضای سیاسی جامعه، قوانین و مقررات حاکم بر نظام اقتصادی جامعه، فشارهای سیاسی و نظام سیاسی بستگی دارد. در نظام اقتصادی مبتنی بر سیاست یکی از عوامل مهم و قابل‌توجه، ارتباطات سیاسی واحدهای تجاری است. اصطلاح ارتباطات سیاسی به‌منظور بیان روابط نزدیک دولت و واحدهای تجاری استفاده می‌شود (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). واحدهای تجاری تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت دارند، زیرا ارتباطات سیاسی می‌تواند منافع زیادی نظیر دسترسی راحت‌تر به منابع تأمین مالی خارجی (کول، لی، سان و ژو[1]، ۲۰۱۵)، کاهش مالیات و تعرفه‌ها (فاشیو[2]، ۲۰۱۰)، بهبود فرصت‌های رشد و کاهش احتمال وقوع ورشکستگی (هوستون، جیانگ، لین و ما[3]، ۲۰۱۴) را به دنبال داشته باشد. در نقطه مقابل وجود منافع، ممکن است ارتباطات سیاسی منافع برخی سهامداران را قربانی کند؛ زیرا این‌گونه روابط منجر به رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در گزارشگری مالی می‌شود و تصمیمات فرصت‌طلبانه مدیریت در شرکت‌های دارای روابط سیاسی منجر به هزینه‌های بالای نمایندگی (خان، دیسالگن، میهرت و موتکین[4]، ۲۰۱۶)، سرمایه‌گذاری بیش‌ازحد شرکت (سو، فونگ و یائو[5]، ۲۰۱۳)، فعالیت‌های رانت خواهی (فرای و شلیفر[6]، ۱۹۹۷)، مدیریت سود (چنی، فاشیو و پارسلی[7]، ۲۰۱۱) و معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته (حبیب، محمدی و جیانگ[8]، ۲۰۱۷) می‌شود. منتقدان ارتباطات سیاسی معتقدند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، منابع قابل‌توجهی را فدای منافع اندک می‌کنند، درنتیجه منافع و مزایای ناشی از ارتباطات سیاسی نیز از بین می‌رود (حبیب و محمدی[9]، ۲۰۱۸).

با توجه به اینکه نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که ارتباطات سیاسی بر انگیزه مدیران در گزارشگری مالی تأثیر دارد، اما تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی تاکنون در ادبیات پژوهشی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا ارتباطات سیاسی بر رابطه

1 Cull, Li, Sun & Xu
2 Faccio
3 Houston, Jiang, Lin & Ma
4 Khan, Dessalegn, Mihret & Muttakin
5 Su, Fung & Yau
6 Frye & Shleifer
7 Chaney, Faccio & Parsley
8 Habib, Muhammadi & Jiang
9 Habib & Muhammadi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]

[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد یا خیر. اهمیت این پژوهش در این است که نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را در شناخت ماهیت معاملات با اشخاص وابسته و تأثیراتی که می‌تواند بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی داشته باشد، یاری رساند.

به‌منظور درک بهتر تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی در ادامه، ابتدا مبانی نظری پژوهش از دیدگاه پژوهشگران مختلف ارائه می‌گردد، سپس به‌صورت مختصر پیشینه پژوهش که شامل مروری بر پژوهش‌های خارجی و داخلی پیرامون موضوع پژوهش است، ارائه می‌گردد. سپس فرضیه‌های پژوهش، روش پژوهش، مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف عملیاتی متغیرها و تجزیه‌وتحلیل آماری ارائه می‌شود. در انتها نیز نتایج و پیشنهادهای پژوهش ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و مروری بر ادبیات موجود

۲-۱- معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی

معاملات با اشخاص وابسته عموماً به‌صورت «انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته صرف‌نظر از مطالبه یا عدم مطالبه‌ی بهای آن» تعریف می‌شود. معاملات با اشخاص وابسته از ویـژگی‌های معمول واحد تجاری است، بـه این دلیل کـه بسیاری از شرکت‌ها فعالیت‌های خود را از طریق واحد فرعی، مشارکت خاص و شرکت‌های وابسته انجام می‌دهند. در چنین شرایطی شرکت‌ها قادر هستند که بر سیاست‌های مالی و عملیاتی شرکتی که در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند از طریق کنترل مشترک یا نفوذ قابل‌ملاحظه، تأثیر بگذارند (کورلسیا و تودور[1]، ۲۰۱۱). معاملات با اشخاص وابسته بر اساس دو دیدگاه قابل بررسی است. بر اساس دیدگاه اول معاملات با اشخاص وابسته به منافع سهامداران آسیب نمی‌رساند و نشانه معاملات کارآمدی هستند که می‌تواند به‌عنوان یک روش بهینه‌سازی تخصیص منابع داخلی، کاهش هزینه معاملات به‌صورت متعارف و معقول صورت گرفته و ناشی از نیاز و تقاضای شرکت باشند (گوردون، هنری و پالیا[2]، ۲۰۰۴، نجفیان و صفری‌گرایلی، ۱۳۹۶). بر اساس دیدگاه دوم که در مطالعات اخیر بیشتر مورد توجه بوده است، معاملات با اشخاص وابسته منجر به افزایش مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران شده و مدیریت با استفاده منابع شرکت در قالب

1 Corlacia & Tudor
2 Gordon, Henry & Palia

چنین معاملاتی در راستای منافع خویش گام برداشته و منجر به آسیب به منافع سهامداران می‌شود (عبدلی، قربانی و اسکندری[1]، ۲۰۱۴؛ ایلهلالی، جورجیو و آلن[2]، ۲۰۱۸).

بر اساس این دیدگاه معاملات با اشخاص وابسته منجر به افزایش ریسک تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی می‌شود (موسسه حسابداران مالزی[3]، ۲۰۰۸). مطالعات انجام شده در زمینه گزارشگری متقلبانه، انگیزه‌های مختلفی را برای چنین اقداماتی برشمرده‌اند؛ اما با توجه به حجم زیاد رسوایی‌های حسابداری در طی سال‌های اخیر که عمده این رسوایی‌ها با تجدید ارائه صورت‌های مالی همراه بوده است، می‌تواند گفت چنین معاملاتی ممکن است به‌عنوان سرپوشی برای رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت و انجام حسابداری متقلبانه به کار رود (کولبک و ماهیو[4]، ۲۰۱۷). در واقع مدیران ممکن است در راستای منافع سرمایه‌گذاران تصمیم‌گیری نکنند و آن‌ها جهت تأمین منافع شخصی خود به‌صورت فرصت‌طلبانه از معاملات با اشخاص وابسته در راستای تصاحب منافع سهامداران استفاده کنند و در نهایت با دست‌کاری اطلاعات صورت‌های مالی، کیفیت گزارش‌های مالی را کاهش می‌دهند تا سرمایه‌گذاران را گمراه نمایند (عبدالرشید و مالیکارجوناپا و توماچان[5]، ۲۰۱۹). ازاین‌رو مدیران شرکت‌ها به دلیل رفتارهای فرصت‌طلبانه اقدام به حسابداری متقلبانه در قالب استفاده از معاملات با اشخاص وابسته می‌نمایند و تحت چنین شرایطی احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی افزایش پیدا می‌کند (هسنان و حسین[6]، ۲۰۱۵). در این راستا دایی و هسنان[7] (۲۰۱۶) معتقدند که معاملات با اشخاص وابسته ریسک ارائه نادرست اطلاعات صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی نقش اعتبار دهی حسابرسان به صورت‌های مالی اهمیت بالاتری پیدا کرد. حسابرسان به‌عنوان مکانیزم نظارتی بر گزارشگری مالی با شناسایی تحریف‌های بااهمیت صورت‌های مالی، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را افزایش می‌دهند (دایی و هسنان، ۲۰۱۶)؛ بنابراین معاملات با اشخاص وابسته ممکن است منجر به افزایش وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی به دلیل وجود تحریف‌های بااهمیت مالی شود (هنری، گوردن، رید و لوورز[8]، ۲۰۱۲).

1 Abdoli, Ghorbani, & Eskandari
2 El-Helaly, Georgiou & Alan
3 Malaysian Institute of Accountants (MIA)
4 Kohlbeck & Mayhew
5 Abdul Rasheed, Mallikarjunappa & Thomachan
6 Hasnan & Hussain
7 Daie & Hasnan
8 Henry, Gordon, Reed & Louwers

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

۲-۲- ارتباطات سیاسی

اخیراً در مورد ارتباط بین سیاست و کسب‌وکار و همچنین برجسته شدن میزان ارتباط سیاسی در سراسر جهان بحث‌هایی مطرح شده است. به دلیل وجود شواهد بین‌المللی در زمینه وجود روابط سیاسی بین دولت و شرکت‌ها، تعداد زیادی از مطالعات به بررسی پدیده‌ی ارتباطات سیاسی شرکت‌ها پرداخته‌اند (لینگ، ژیائورونگ، کوانکسی، پینگ‌پینگ و هایجیان[۱]، ۲۰۱۶ در چین؛ ایلهلالی و همکاران، ۲۰۱۸ در ایتالیا؛ حبیب، راناسینگ، محمدی و اسلام[۲]، ۲۰۱۸ در مالزی). مطالعات نشان می‌دهد ارتباطات سیاسی می‌تواند از طرق مختلف بین شرکت‌ها و دولت ایجاد شود، ازجمله از طریق ساختار مالکیت، حضور در ترکیب هیئت‌مدیره، پرداختی‌ها به دولت، تولید محصولات خاص و ارتباطات شبکه‌ای و غیره (رضایی و ویسی‌حصار، ۱۳۹۳)؛ اما ادبیات پژوهشی در سال‌های اخیر نشان داد که ارتباطات سیاسی اغلب از طریق مالکیت نهادی دولت یا مالکیت سهامدار عمده سیاسی وابسته به دولت ایجاد شده است (مینگ‌تی، گول و فو[۳]، ۲۰۱۷). درواقع نهادها و یا چهره‌های سیاسی وابسته به دولت انگیزه دارند که به‌صورت سهامدار در مالکیت شرکت‌ها حضور داشته باشند تا از این طریق در شرکت‌ها نفوذ نمایند (بلیس و گول[۴]، ۲۰۱۲). از این رو با توجه به نوع ارتباطات سیاسی، سهامداران در بورس به دو دسته سهامداران حقوقی و سهامداران حقیقی تقسیم می‌شوند (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸). بخشی از سهامداران حقوقی را نهادهای دولتی و شبه دولتی تشکیل می‌دهند که از درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت‌های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه که این شرکت‌ها شامل شرکت‌های بیمه، موسسه‌های مالی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و دیگر اجزای دولت به دست می‌آید. در واقع این بعد از ارتباطات سیاسی ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم دولت و یا نهادهای وابسته به دولت در ساختار مالکیت شرکت است (چوی مینگ[۵]، ۲۰۱۸). سهامداران حقیقی نیز طیف گسترده‌ای از سهامداران یک شرکت می‌باشند که بخشی از این سهامداران ممکن است شخصیت‌ها و سیاست‌مداران وابسته به دولت باشند (نلی‌ساری و آنوگراه[۶]، ۲۰۱۱). این بعد ارتباطات سیاسی نیز عبارت است از شرکت‌هایی که در ساختار مالکیت آن‌ها یکی از سهامداران

1 Leng, Xiaorong, Quanxi, Pingping & Haijiane
2 Habib, Ranasinghe, Muhammadi & Islam
3 Ming Tee, Gul & Foo
4 Bliss & Gul
5 Chwee Ming
6 Nelly Sari & Anugerah

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

عمده شرکت (سهامداری که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد) از شخصیت‌های سابق یا حال حاضر در دولت باشد (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

۳-۲- ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی

یکی از روش‌های مدیران شرکت‌ها جهت انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه، استفاده از معاملات با اشخاص وابسته است (مایگوشی، عبداللطیفه و کاماردینا[1]، ۲۰۱۶). به همین دلیل در چنین شرکت‌هایی احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی به دلیل رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران بالاست (هسنان، رحمان و ماهنیران[2]، ۲۰۱۳). ادبیات پژوهشی اخیر نشان داده است که ارتباطات سیاسی بر تصمیمات مدیران و سیاست‌های گزارشگری شرکت‌ها تأثیرگذار است (وانگ، فینگ و ژو[3]، ۲۰۱۹).

ازآنجایی‌که یکی از راه‌کارهای پیش روی دولت، جهت کنترل واحدهای اقتصادی، به دست آوردن سهام شرکت‌ها، از طریق مالکیت نهادی دولت یا سهامدار عمده وابسته به دولت در ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌باشد اتخاذ چنین رویکردی خود منجر به ایجاد ارتباطات سیاسی بین دولت و شرکت‌ها می‌شود (لی، سان، وانگ و ترنر[4]، ۲۰۱۹). عموماً این‌گونه تصور می‌شود که حضور سرمایه‌گذاران نهادی وابسته به دولت ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. این امر، از فعالیت‌های نظارتی نشأت می‌گیرد که این سرمایه‌گذاران انجام می‌دهند. انتظار بر این است که مالکیت نهادی دولت میزان عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات نمایندگی را کاهش دهد، زیرا مالکیت نهادی وابسته به دولت می‌تواند به نحو اثربخشی تلاش‌های مدیریت برای دست‌کاری حساب‌ها را کنترل کند (واعظ، انوری و بنافی، ۱۳۹۵). این گروه از سهامداران با توجه به انگیزه نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌توانند تضاد منافع بین سهامداران و مدیران را کاهش دهند (تاری‌وردی، لشگری و جلال‌پور[5]، ۲۰۱۴). با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی‌های شرکت به نفع اشخاص وابسته از شرکت خارج شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند (گوردان، الیزابت و الین[6]، ۲۰۰۵)؛ بنابراین ازآنجاکه معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند به نفع مدیران و

1 Maigoshi, Abdul Latifa & Kamardina
2 Hasnan, Rahman & Mahenthiran
3 Wang, Feng & Xu
4 Li, Sun, Wang, & Turner
5 Tariverdi, Lashgari, & Jalalpour
6 Gordan, Elizabeth & Elaine

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

در راستای تصاحب منابع سهامداران انجام گیرد، مالکیت نهادی دولت می‌تواند مشکلات نمایندگی را کنترل کرده و منجر به کاهش معاملات با اشخاص وابسته گردد (صالحی‌نیا و تامرادی، ۱۳۹۸). همچنین حضور سهامداران نهادی وابسته به دولت می‌تواند نظارت مهمی برای تضمین عملکرد مدیریت در جهت کاهش رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت و حفظ منافع سهامداران باشد. نظارت کارآمد، جهت حفظ منافع سهامداران مدیریت را ملزم می‌کند که صورت‌های مالی صحیح، صادقانه و عاری از خطا یا بی‌نظمی در اختیار سهامداران بگذارد (کوزاندی[1]، ۲۰۱۹). ازاین‌رو احتمال ارائه مجدد صورت‌های مالی می‌تواند با حضور سرمایه‌گذاران نهادی وابسته به دولت کاهش پیدا کند که ناشی از نظارت کارآمد بر تصمیم‌های مدیریتی است (خسروخواه، سالاری و امیری[2]، ۲۰۱۸).

علاوه بر مالکیت نهادی وابسته به دولت، شخصیت‌های سابق یا حال حاضر در دولت می‌توانند با در اختیار گرفتن سهام شرکت‌ها، در آن‌ها نفوذ نمایند و این شرکت‌ها دارای روابط سیاسی خوانده می‌شوند. شرکت‌های دارای سهامدار عمده سیاسی وابسته به دولت ممکن است تمایل بیشتری به استفاده از معاملات با اشخاص وابسته داشته باشند، زیرا این قبیل معاملات منجر به سهولت انتقال منابع اقتصادی میان شرکت و شخصیت‌های سیاسی شود (شارما، چنگ، لئونگ[3]، ۲۰۲۰). آلام و تیچر[4] (۲۰۱۰) اعتقاد دارند شرکت‌های دارای سهامدار عمده سیاسی وابسته به دولت به‌صورت قابل‌توجهی درگیر سوءاستفاده‌های مالی هستند و هزینه نمایندگی در این شرکت‌ها بالاتر است؛ زیرا مدیران در قالب معاملات با اشخاص وابسته پیگیر منافع شخصی هستند (آلام و تیچر، ۲۰۱۰). مدیران در این شرکت‌ها قادر به شرکت در انحرافات دارایی یا معاملات با اشخاص وابسته مشکوک و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بی‌بهره و به نفع منافع شخصی هستند (گائو، هوانگ و یانگ[5]، ۲۰۱۹). چنی و همکاران (۲۰۱۱) نیز اعتقاد دارند مدیران در شرکت‌های دارای سهامدار عمده سیاسی وابسته به دولت می‌توانند از ارتباطات سیاسی به گونه فرصت‌طلبانه استفاده نمایند به همین دلیل برای گمراه نمودن سرمایه‌گذاران اقدام به مدیریت سود می‌نمایند که این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های

1 Kusnadi
2 KhosroKhah, Salari &Amiri
3 Sharma, Cheng & Leung
4 Alam & Teicher
5 Gao, Huang & Yang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

بدون روابط سیاسی گردد (چنی و همکاران، ۲۰۱۱). حبیب، الهادی، ال-یحیی و الیوی[1] (۲۰۱۷) نیز مدعی هستند که شرکت‌ها دارای سهامدار عمده سیاسی وابسته به دولت می‌توانند از معاملات با اشخاص وابسته برای تأمین مقاصد عملیاتی و گزارشگری خود استفاده نمایند. معاملات با اشخاص وابسته امکان تبادل منابع، خدمات و یا تعهدات با شخصیت‌هایی مانند سهامداران عمده، مدیران، شرکت‌های وابسته و واحدهای فرعی را فراهم می‌آورد. از این‌رو می‌توان انتظار داشت شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند نسبت به سایر شرکت‌ها تمایل بیشتری به استفاده از معاملات با اشخاص وابسته داشته باشند، زیرا این قبیل معاملات می‌تواند موجب سهولت انتقال منابع اقتصادی میان شرکت و طرف‌های سیاسی (سرمایه‌گذاران وابسته به دولت) شود (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷). به همین دلیل در شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاران عمده وابسته به دولت، ممکن است استفاده از معاملات با اشخاص وابسته با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه انجام شود، ازاین‌رو احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی در این شرکت‌ها افزایش پیدا می‌کند (هسنان و حسین، ۲۰۱۵).

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پیشینه خارجی

سوپاتمی، سوتریسنو، ساراسواتی و بامبانگ[2] (۲۰۱۹) تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۱۶۰ سال – شرکت، از بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته بر عملکرد بانک‌ها تأثیر مثبت معناداری دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد ارتباطات سیاسی موجب افزایش رابطه مثبت بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و عملکرد شرکت‌ها می‌شود.

یو، یادو، ژینگ و ژانگ[3] (۲۰۱۹) تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۸۳۹ سال- شرکت، از شرکت‌های فعال در بورس انرژی چین طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌ها تأثیر مثبت معناداری دارد.

1 Habib, Al-Hadi, Al-Yahyaee & Eulaiwi
2 Supatmi, Sutrisno, Saraswati & Bambang
3 Yu, Yao, Zheng & Zhang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

فانگ، لوبو، ژانگ و ژائو[1] (۲۰۱۸) تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۲۱۱۰ سال- شرکت، از شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار چین طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت معناداری دارد.

مولول، چاکرون و یحییویی[2] (۲۰۱۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۷۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تونس طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد.

ایلهلالی و همکاران (۲۰۱۸) تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۳۷۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایتالیا طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد معاملات با اشخاص وابسته تأثیر معناداری بر مدیریت سود شرکت‌ها ندارد.

حبیب و همکاران (۲۰۱۷) تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه بین ارتباطات سیاسی و انتخاب حسابرس شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۳۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی بیشتر احتمال دارد حسابرسان بزرگ را به خدمت گیرند. افزون بر این، نتایج پژوهش نشان داد شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته کمتر تمایل به انتخاب حسابرسان بزرگ دارند.

کولبک و ماهیو (۲۰۱۷) نقش معاملات با اشخاص وابسته در تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۱۵۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار امریکا طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد معاملات با اشخاص وابسته منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود.

1 Fang, Lobo, Zhang & Zhao
2 Maaloul, Chakroun & Yahyaoui

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

لیو، لی و زینگ[1] (۲۰۱۶) رابطه ارتباطات سیاسی و انتخاب حسابرس با شفافیت صورت‌های مالی شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۳۶۴۰ سال – شرکت، از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار چین مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله پرداختی به دولت بر رابطه بین انتخاب حسابرس و شفافیت اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت معناداری دارد.

هسنان و حسین (۲۰۱۵) تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۳۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد معاملات با اشخاص وابسته احتمال سوءاستفاده‌های مالی و تقلب مالی را افزایش می‌دهد، ازاین‌رو معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها تأثیر مثبت معناداری دارد.

۲-۳- پیشینه داخلی

عبداله نژاد خلیل‌آباد، صالحی و تورچی (۱۳۹۹) تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۱۵۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد ارتباطات سیاسی منجر به افزایش تأخیر در گزارش حسابرس می‌شود. همچنین نتایج نشان داد معاملات با اشخاص وابسته تأخیر در گزارش حسابرس را افزایش داده و منجر به تقویت ارتباط میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرس شده است.

نبی‌زاده و ابراهیمی رومنجان (۱۳۹۹) تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۱۵۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تداوم دوره تصدی حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر منفی معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تخصص موسسه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری دارد ولی نتیجه‌ای مبنی بر تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی یافت نشد.

1 Liu, Li & Zeng

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]

[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

عباس‌زاده، رجبعلی زاده و قناد (۱۳۹۸) رابطه ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد بین ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته رابطه مثبت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد رابطه معناداری میان معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود ندارد؛ اما با افزودن متغیر تعدیلگر ارتباطات سیاسی، وجود رابطهٔ مثبت و معنادار بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود تأیید گردید.

رضازاده و محمدی (۱۳۹۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین توانایی مدیریتی و گزارشگری متقلبانه شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۱۲۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد مدیران توانمند قادرند قضاوت‌ها و برآوردهای دقیق و اثربخش‌تری را انجام دهند و با استفاده کاراتر از منابع شرکت، عملکرد بهتری را به ارمغان آورند و از این طریق تقلب در گزارشگری مالی را کاهش دهند. افزون بر این، نتایج نشان داد اثربخشی توانایی مدیریتی در کاهش تقلب در گزارشگری مالی متقلبانه تحت تأثیر ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با دولت قرار نمی‌گیرد.

رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷) رابطه بین ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با سود نقدی و بازده سهام شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۱۱۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین ارتباطات سیاسی و سود نقدی سهام رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

مهربان‌پور، جندقی قمی و محمدی (۱۳۹۶) تأثیر روابط سیاسی شرکت‌ها بر به‌کارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که روابط سیاسی، به‌طور معناداری موجب کاهش اعطای اعتبار و فروش غیرعادی به اشخاص وابسته می‌شود. همچنین نتایج نشان داد روابط سیاسی، مدیریت سود از طریق اعطای اعتبار غیرعادی به اشخاص وابسته را به‌طور معناداری کاهش می‌دهد. افزون بر این، نتایج نشان داد روابط سیاسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق فروش غیرعادی به اشخاص وابسته ندارد.

صادقی و اسدی (۱۳۹۵) رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت کنترلی با کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۱۳۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تهران در طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت کنترلی با کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که معاملات با اشخاص وابسته با کیفیت اقلام تعهدی رابطه منفی دارد و همچنین مالکیت کنترلی (مالکان بیش از ۵۰ درصد) با کیفیت اقلام تعهدی رابطه معنادار مثبت دارد.

رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) تأثیر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی شرکت‌ها را با استفاده از اطلاعات ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکز است، کیفیت سود نیز بالاست، حال آنکه در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی پایین است، ولی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی بالا است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۲: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۳: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر معناداری دارد.

۵- روش پژوهش

با توجه به هدف ذکرشده‌ی پژوهش، این پژوهش از نظر نوع هدف، کاربردی است. از آنجایی که این پژوهش در پی یافتن رابطه معناداری بین متغیرهای پژوهش (ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی) در یک جامعه می‌باشد، بنابراین پژوهش در زمره پژوهش‌های همبستگی قرار دارد. از طرف دیگر، پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی است، یعنی بر مبنای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات گذشته (صورت‌های مالی شرکت‌ها) انجام می‌گیرد. همچنین در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

لاتین گردآوری گردید و سپس داده‌های پژوهش با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌ها منتخب و با استفاده از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار تدبیر پرداز و تارنمای رسمی شرکت‌ها جمع‌آوری گردید.

۶- مدل پژوهش

جهت آزمون فرضیه‌های یک تا سه پژوهش از مدل‌های رگرسیونی یک تا سه استفاده می‌شود.

مدل (۱)
$$RES_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{i,t} + \beta_2 DA_{i,t} + \beta_3 FS_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 BS_{i,t} + \beta_6 BI_{i,t} + \varepsilon$$

مدل (۲)
$$RES_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{i,t} + \beta_2 PCIO_{i,t} + \beta_3 (PCIO \times RPT)_{i,t} + \beta_4 DA_{i,t} + \beta_5 FS_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 BS_{i,t} + \beta_8 BI_{i,t} + \varepsilon$$

مدل (۳)
$$RES_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{i,t} + \beta_2 PCBS_{i,t} + \beta_3 (PCBS \times RPT)_{i,t} + \beta_4 DA_{i,t} + \beta_5 FS_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 BS_{i,t} + \beta_8 BI_{i,t} + \varepsilon$$

که در مدل‌های فوق‌الذکر به ترتیب، **RES**: تجدید ارائه صورت‌های مالی، **RPT**: معاملات با اشخاص وابسته، **PCIO**: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت، **PCBS**: ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت، **DA**: مدیریت سود، **FS**: اندازه شرکت، **LEV**: اهرم مالی، **BS**: اندازه هیئت‌مدیره، **BI**: استقلال هیئت‌مدیره، **β0**: ضریب ثابت، **β1** تا **β8**: ضرایب متغیرها، **ε**: خطای مدل رگرسیون می‌باشند.

۷- متغیرهای پژوهش

۷-۱- متغیر وابسته

تجدید ارائه صورت‌های مالی (RES): در این پژوهش تجدید ارائه صورت‌های مالی یک متغیر مجازی دو وجهی است. اگر شرکت طی سال مالی، صورت‌های مالی را تجدید ارائه کرده باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر لحاظ می‌شود (سیورس و صوفیکانیتش، ۲۰۱۸؛ موسوی، جباری و طالب بیدختی، ۱۳۹۴؛ اخگر و علیخانی، ۱۳۹۳).

۷-۲- متغیر مستقل

معاملات با اشخاص وابسته (RPT): در این پژوهش معاملات با اشخاص وابسته به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. جهت اندازه‌گیری این متغیر از لگاریتم طبیعی جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته افشاء شده در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی سالانه شرکت‌های مورد بررسی به دست می‌آید (هسنان و حسین، ۲۰۱۵؛ واعظ و همکاران، ۱۳۹۵).

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

۷-۳- متغیرهای تعدیل‌گر

در این پژوهش ارتباطات سیاسی (PC) متغیر تعدیل‌گر است که برای تعیین آن از دو شاخص، مالکیت نهادی دولت و سهامدار عمده وابسته به دولت استفاده شده است.

ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت (PCIO): مالکیت نهادی دولت از درصد مالکیت مستقیم دولت و یا نهادهای وابسته به دولت به دست می‌آید. ازاین‌رو جهت اندازه‌گیری این معیار ارتباطات سیاسی از متغیر مجازی دو وجهی استفاده می‌شود، بدین صورت که اگر درصد مالکیت دولت و نهادهای دولتی از مالکیت سهام شرکت بیشتر از ۲۰ درصد باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود (چوی مینگ، ۲۰۱۸؛ رهنمای رودپشتی و محسنی، ۱۳۹۶، محسنی، ۱۳۹۷).

ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت (PCBS): اگر حداقل یکی از سهامداران عمده شرکت (سهامداری که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد) از شخصیت‌های سابق یا حال حاضر در دولت باشد این شرکت دارای ارتباطات سیاسی خواند می‌شود و این متغیر برابر یک خواهد بود و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود (حبیب و همکاران، ۲۰۱۸؛ نیکومرام، بنی مهد، رهنمای رودپشتی و کیائی، ۱۳۹۲؛ مهربان‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

۷-۴- متغیرهای کنترلی

مدیریت سود (DA): در این پژوهش برای تعیین مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری و با استفاده از مدل تعدیل شده جونز اقدام گردید. مدل تعدیل شده جونز به‌صورت زیر است.

مدل (۴)
$$DACC_{it} = TACC_{i,t}/TA_{i,t-1} - \left[\alpha_1\left(1/TA_{i,t-1}\right)+\alpha_2\left(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}/TA_{i,t-1}\right)+\alpha_3\left(PPE_{i,t}/TA_{i,t-1}\right)\right]$$

که در مدل فوق، $\mathbf{DACC_{it}}$: اقلام تعهدی اختیاری شرکت i در سال t، $\mathbf{TACC_{i,t}}$: کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t، $\mathbf{\Delta REV_{i,t}}$: تغییرات درآمد فروش شرکت i در سال t، $\mathbf{\Delta REC_{i,t}}$: تغییرات در حساب دریافتنی شرکت i در سال t، $\mathbf{TA_{i,t-1}}$: مجموع دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ و $\mathbf{PPE_{i,t}}$: اموال، تجهیزات و ماشین‌آلات شرکت i در سال t می‌باشند.

اندازه شرکت (FS): برای تعیین اندازه شرکت از لگاریتم مجموع ارزش دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی مورد نظر استفاده شد.

اهرم مالی (LEV): برای تعیین اهرم مالی از نسبت مجموع بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌های شرکت در پایان در سال مالی مورد نظر استفاده شد.

اندازه هیئت‌مدیره (BS): به‌منظور تعیین اندازه هیئت‌مدیره از مجموع تعداد مدیران (اعم از موظف و غیرموظف) که عضو هیئت مدیره هستند استفاده شد.

استقلال هیئت‌مدیره (BI): به‌منظور تعیین استقلال هیئت‌مدیره از نسبت تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به‌کل اعضای هیئت‌مدیره استفاده شد. اعضای غیرموظف سمت اجرایی در شرکت ندارند.

۸- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و نمونه پژوهش

کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند و فرضیه‌های مورد نظر در رابطه با این جامعه آماری موردمطالعه و آزمون قرار گرفت. به دلیل گستردگی و حجم آماری جامعه و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضاء جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده‌اند:

۱) شرکت‌ها در طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ وقفه عملیاتی بیش از سه ماه نداشته باشند.

۲) شرکت‌ها در طول این سال‌ها تغییر سال مالی نداده و اطلاعات مورد نیاز به‌منظور استخراج داده‌ها در دسترس باشد.

۳) شرکت‌ها جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری و هلدینگ و لیزینگ نباشد، زیرا ساختار گزارشگری در آن‌ها متفاوت است.

۴) سال مالی آن‌ها منتهی به اسفندماه باشد.

با توجه به مطالب مطرح‌شده محدودیت‌های ذکرشده درنهایت از بین جامعه آماری به‌صورت حذف سیستماتیک ۱۴۵ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب گردید.

۹- تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

۹-۱- آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش در جدول ۱ منعکس شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است. همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است میانگین متغیر معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های مورد بررسی طی سال‌های مورد آزمون ۱۰/۰۳ بوده است، همچنین میانه این متغیر ۱۰/۱۴ می‌باشد که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار است. انحراف معیار نیز نشان می‌دهد به‌طور میانگین داده‌ها چه مقدار از مقدار متوسط فاصله دارند و هر چه کمتر باشد، نشان از توزیع نرمال داده‌های مربوط به آن متغیر دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، معاملات با

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

اشخاص وابسته و مدیریت سود به ترتیب بیشترین (۰/۷۹) و کمترین (۰/۰۸) انحراف معیار را در بین متغیرهای پژوهش را دارند. اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش در جدول ۲ منعکس شده است. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، در بین شرکت‌های مورد بررسی طی سال‌های مورد آزمون تعداد ۳۵۶ مورد دارای ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت، تعداد ۲۰۷ مورد دارای ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت و تعداد ۳۱۱ مورد تجدید ارائه صورت‌های مالی مشاهده شد.

جدول (۱). آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

شرح	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
معاملات با اشخاص وابسته	۱۰/۰۳	۱۰/۱۴	۰/۷۹	۱۴/۳۱	۷/۴۳
مدیریت سود	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۷۲	-۰/۳۷
اندازه شرکت	۶/۰۷	۵/۹۲	۰/۶۳	۸/۲۴	۴/۱۵
اهرم مالی	۰/۶۱	۰/۵۹	۰/۱۷	۰/۸۹	۰/۱۱
اندازه هیئت‌مدیره	۵/۲۶	۵/۰۰	۰/۳۱	۷/۰۰	۵/۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۴۹	۰/۴۰	۰/۱۸	۱/۰۰	۰/۲۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۲). آمار توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

شرح	تعداد صفر	تعداد یک	درصد صفر	درصد یک
تجدید ارائه صورت‌های مالی	۷۰۴	۳۱۱	۰/۶۹۴	۰/۳۰۶
ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت)	۶۵۹	۳۵۶	۰/۶۴۹	۰/۳۵۱
ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت)	۸۰۸	۲۰۷	۰/۷۹۶	۰/۲۰۴

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۹- بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

یکی پیش‌فرض‌های رگرسیون، پایایی متغیرهای پژوهش است. پایایی متغیرهای مورد استفاده در مدل به این معناست که میانگین و واریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. درنتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نخواهد شد. یکی از روش‌های بررسی پایایی متغیرهای پژوهش استفاده از آزمون لوین، لین و چو است (سوری، ۱۳۹۳). یافته‌های آزمون پایایی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ نشان می‌دهد که سطح معناداری تمامی متغیرها کمتر از پنج درصد است و متغیرهای پژوهش پایا هستند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

جدول (۳). پایایی متغیرها با استفاده از آزمون لوین، لین و چو

متغیرها	آماره	سطح معنادار
معاملات با اشخاص وابسته	-۲۴/۱۱	۰/۰۰
مدیریت سود	-۵۹/۳۴	۰/۰۰
اندازه شرکت	-۳۲/۱۹	۰/۰۰
اهرم مالی	-۴۸/۹۱	۰/۰۰
اندازه هیئت‌مدیره	-۷/۳۵	۰/۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	-۹/۶۴	۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۹- بررسی مشکل هم‌خطی

از دیگر پیش‌فرض‌های در رگرسیون خطی، عدم وجود مشکل هم‌خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی مدل پژوهش است. یکی از شیوه‌های بررسی هم‌خطی محاسبه آماره عامل تورم واریانس است. چنانچه این آماره از عدد ۱۰ کوچک‌تر باشد همخطی شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی وجود ندارد (سوری، ۱۳۹۳). جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که میزان عامل تورم واریانس برای کلیه متغیرهای مستقل و کنترلی مدل‌های یک تا سه پژوهش کمتر از ۱۰ است؛ بنابراین، مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد.

جدول (۴). بررسی مشکل هم خطی

متغیرها	عامل تورم واریانس		
	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
معاملات با اشخاص وابسته	۱/۰۶۰	۴/۴۵۰	۴/۱۷۳
ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت)	-	۵/۳۲۹	-
ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت)	-	-	۵/۲۲۴
ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت) × معاملات با اشخاص وابسته	-	۶/۷۸۰	-
ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت) × معاملات با اشخاص وابسته	-	-	۶/۷۹۳
مدیریت سود	۱/۰۶۲	۱/۰۵۹	۱/۰۵۳
اندازه شرکت	۱/۰۳۸	۱/۰۲۲	۱/۰۳۴
اهرم مالی	۱/۰۳۰	۱/۰۳۳	۱/۰۲۱
اندازه هیئت‌مدیره	۱/۰۰۸	۱/۰۰۹	۱/۰۱۰
استقلال هیئت‌مدیره	۱/۰۲۳	۱/۰۱۳	۱/۰۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۹- آزمون فرضیه‌های پژوهش

پیش از بررسی مدل، لازم است نکویی مدل برازش شده ارزیابی گردد. در رگرسیون لاجیت با رویکرد تلفیقی دو معیار برای بررسی نکویی برازش استفاده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها LR است. این معیار مانند آماره اف رگرسیون معمولی عمل می‌کند. با توجه به جدول ۵ ازآنجایی‌که سطح خطای آماره LR برای هر سه مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین

فرض عدم معناداری مدل‌ها رد می‌شود و نتایج مدل‌ها معنادار و قابل‌اتکا است. معیار دیگری که برای ارزیابی به کار می‌رود نسبت لگاریتم درستنمایی است. مقدار این آماره منفی است و هر چه قدر مطلق آن بزرگ‌تر باشد، حاکی از مناسب بودن مدل است (سوری، ۱۳۹۳). مقدار به‌دست‌آمده برای مدل‌های یک تا سه به ترتیب ۳۷۰/۲۱-، ۳۳۲/۱۸- و ۳۴۵/۲۳- که نشان از قابل‌اعتماد بودن مدل‌ها است. همچنین در آنالیز رگرسیون لجستیک، ضریب تعیین مک‌فادن تقریباً همان نقش ضریب تعیین تعدیل شده در مدل رگرسیون خطی را ایفا می‌کند. با توجه به جدول ۵ ضریب تعیین مک فادن مدل‌های برازش شده، می‌توان ادعا کرد که به ترتیب ۴۶٪، ۵۳٪ و ۵۱٪ درصد از تغییرات متغیر تجدید ارائه صورت‌های مالی را می‌توان توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مدل‌های یک تا سه تبیین نمود.

با توجه به جدول ۵، سطح معناداری برای متغیر معاملات با اشخاص وابسته در مدل یک ۰/۰۰ می‌باشد، ازآنجاکه سطح معناداری کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، می‌توان پذیرفت معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر معناداری دارد و فرضیه یک پذیرفته می‌شود. ازآنجاکه ضریب متغیر معاملات با اشخاص وابسته (۰/۱۶) در مدل یک مثبت است، پس می‌توان پذیرفت معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر مثبت معناداری دارد.

جهت تجزیه و تحلیل رگرسیون تعدیل‌گری جهت آزمون فرضیه‌های دو و سه پژوهش بر اساس روش الگوی رگرسیونی شارما، دوراند و گور-آری[1] (۱۹۸۱) استفاده می‌شود. به این منظور ضریب متغیرهای مستقل و تعدیل‌گر و همچنین سطح معناداری جهت تائید یا رد فرضیه‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای تأیید یا رد فرضیه دو با توجه به نتایج آزمون مدل دوم در جدول ۵ ابتدا به ضریب معاملات با اشخاص وابسته بررسی می‌گردد.

1 Sharma, Durand, Gur-Arie

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

جدول (۵). یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیر	شرح	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
عرض از مبدأ	ضریب	۰/۸۴	۰/۶۹	۰/۷۸
	سطح معنادار	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
معاملات با اشخاص وابسته	ضریب	۰/۱۶	۰/۱۱	۰/۲۰
	سطح معنادار	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت)	ضریب	–	-۰/۰۹	–
	سطح معنادار	–	۰/۰۰	–
ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت)	ضریب	–	–	۰/۱۲
	سطح معنادار	–	–	۰/۰۰
ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت) × معاملات با اشخاص وابسته	ضریب	–	-۰/۰۵	–
	سطح معنادار	–	۰/۰۰	–
ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت) × معاملات با اشخاص وابسته	ضریب	–	–	۰/۳۹
	سطح معنادار	–	–	۰/۰۰
مدیریت سود	ضریب	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۱۴
	سطح معنادار	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
اندازه شرکت	ضریب	-۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۱۰
	سطح معنادار	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۳
اهرم مالی	ضریب	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۱
	سطح معنادار	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
اندازه هیئت‌مدیره	ضریب	-۰/۱۲	-۰/۰۹	-۰/۱۱
	سطح معنادار	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	ضریب	-۰/۱۴	-۰/۱۱	-۰/۱۴
	سطح معنادار	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
ضریب مک فادن		۰/۴۶	۰/۵۳	۰/۵۱
لگاریتم درست نمایی		-۳۷۰/۲۱	-۳۳۲/۱۸	-۳۴۵/۲۳
LR		۶۵۴/۹۲	۷۳۸/۲۴	۷۱۰/۶۰
سطح معنادار LR		۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۵ مشخص است ضریب معاملات با اشخاص وابسته ۰/۱۱ و در سطح اطمینان ۹۵٪ نیز معنادار است و معاملات با اشخاص وابسته باعث افزایش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود. حال به ضریب ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت) در مدل دو توجه می‌کنیم که این ضریب ۰/۰۹- است و در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت) باعث کاهش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود. در مرحله بعد ضریب (ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت) × معاملات با اشخاص وابسته) در مدل دوم مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ این ضریب ۰/۰۵- است و سطح معناداری آن نیز ۰/۰۰ است که نشان از تأیید فرضیه دو در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد. در واقع ضریب معاملات با اشخاص وابسته

زمانی که در ارتباطات سیاسی (مالکیت نهادی دولت) ضرب می‌شود از ۰/۱۱ به ۰/۰۵- کاهش می‌یابد. ازاین‌رو ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت موجب کاهش رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود.

برای تأیید یا رد فرضیه سوم با توجه به نتایج آزمون مدل سوم در جدول ۵ ابتدا به ضریب معاملات با اشخاص وابسته بررسی می‌گردد. همان‌طور که مشخص است ضریب معاملات با اشخاص وابسته ۰/۲۰ و در سطح اطمینان ۹۵٪ نیز معنادار است و معاملات با اشخاص وابسته باعث افزایش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود. حال به ضریب ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت) در آن مدل توجه می‌کنیم که این ضریب ۰/۱۲ است و در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت) باعث افزایش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود. در مرحله بعد ضریب (ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت) × معاملات با اشخاص وابسته) در مدل سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ این ضریب ۰/۳۹ است و سطـح معناداری آن نیز ۰/۰۰ است که نشان از تأیید فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌باشد. در واقع ضریب معاملات با اشخاص وابسته زمانی که در ارتباطات سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت) ضرب می‌شود از ۰/۲۰ به ۰/۳۹ افزایش می‌یابد. از این‌رو ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت موجب افزایش رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود.

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. بدین منظور بر اساس مبانی نظری و پیشینه مطرح شده سه فرضیه طراحی شد. در فرضیه یک تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه یک نشان داد معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد، به این معنا که معاملات با اشخاص وابسته موجب افزایش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود. در نتیجه فرضیه یک پژوهش تائید شد. اگرچه تمام معاملات با اشخاص وابسته فرصت‌طلبانه نیستند، اما نتیجه این فرضیه پژوهش بر وجود تضاد منافع در معاملات با اشخاص وابسته تأکید می‌کند. نظریه تضاد منافع بیان می‌کند که مدیران می‌توانند از معاملات با اشخاص وابسته به‌طور فرصت‌طلبانه‌ای در جهت کسب منافع شخصی استفاده نمایند. انگیزه فرصت‌طلبانه مدیران شرکت‌ها باعث می‌شود با استفاده از روش‌های خاص حسابداری، اطلاعات صورت‌های مالی را دست‌کاری نمایند تا بدین طریق

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

اثرات سوء معاملات با اشخاص وابسته را پنهان ساخته و امکان شناسایی آن توسط ذینفعان را کاهش دهند. در نتیجه کیفیت گزارش‌های مالی چنین شرکت‌هایی نسبت به سایر شرکت‌های مشابه کمتر می‌باشد. در چنین شرایطی احتمال شناسایی معاملات غیرمنصفانه و غیرقانونی شرکت بـا اشخاص وابسته توسط حسابرسان افزایش می‌یابد، به همین دلیل تجدید ارائه صورت‌های مالی افزایش پیدا می‌کند. هسنان و حسین (۲۰۱۵) نیز معتقدند چنانچه مدیران با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه در قالب معاملات با اشخاص وابسته در راستای منافع خویش گام بردارند، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی افزایش می‌یابد.

در فرضیه دو تأثیر ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دو نشان داد ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت بر رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی (کاهشی) معناداری دارد، به این معنا که مالکیت نهادی دولت موجب کاهش رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود. در نتیجه فرضیه دو پژوهش تائید شد. همان‌طور که در مبانی نظری تشریح شد، یکی از راه‌کارهای پیش روی دولت، جهت نفوذ در شرکت‌ها، به دست آوردن سهام شرکت‌ها از طریق مالکیت نهادی است. مالکیت نهادی یکی از انواع ساختارهای سهامداری است که تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق نظریه نظارت فعال، سرمایه‌گذاران نهادی نسبت به سرمایه‌گذاران فردی به‌صورت حرفه‌ای‌تر عمل کرده و دارای انگیزه بیشتری برای نظارت بر عملکرد شرکت هستند، چرا که از طریق این نظارت از منافع بیشتری برخوردار می‌شوند. سرمایه‌گذاران نهادی، مدیریت شرکت را به تمرکز بر عملکرد اقتصادی و اجتناب از رفتارهای فرصت‌طلبانه وا می‌دارد. این گروه از سهامداران با توجه به انگیزه نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌توانند تضاد منافع بین سهامداران و مدیران را کاهش دهند. مینگ‌تی و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند که با افزایش مالکیت نهادی، به جهت اینکه سرمایه‌گذاران نهادی از انگیزه بالاتری بـرای نظارت بـر اقدامات مدیریت برخوردارند، مدیران کمتر به رفتارهای فرصت‌طلبانه روی می‌آورند. ازاین‌رو با افزایش نظارت سرمایه‌گذاران نهادی، مدیران کمتر به رفتار فرصت‌طلبانه در قالب معاملات با اشخاص وابسته دست می‌زنند و همین امر منجر به کاهش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌شود.

در فرضیه سه تأثیر ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی مورد بررسی قرار

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سه نشان داد ارتباطات سیاسی اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت بر رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی تأثیر مثبت (افزایشی) معناداری دارد، به این معنا سهامدار عمده وابسته به دولت رابطه مثبت بین معاملات بـا اشخاص وابسته و تجدید ارائـه صورت‌های مالی افزایش می‌دهد. در نتیجه فرضیه سه پژوهش تـأیید شد. بخشی از مالکیت شرکت‌هـا در اختیار سرمایه‌گذاران جزء و اشخاص حقیقی است. به همین طریق، دولت به‌واسطه خرید سهام شرکت، توسط سهامداران عمده وابسته به دولت می‌تواند در شرکت‌ها نفوذ نماید. سهامداران عمده وابسته به دولت ممکن است در قالب معاملات با اشخاص پیگیر منافع شخصی خود باشند. ازاین‌رو ارتباطات سیاسی به‌واسطه سهامدار عمده وابسته به دولت می‌تواند باعث ضایع شدن منافع سایر سرمایه‌گذاران شود و مدیران در چنین شرکت‌هایی بیشتر به رفتارهای فرصت‌طلبانه روی می‌آورند و نتیجه آن افزایش تضاد منافع است. در همین راستا حبیب و همکاران (۲۰۱۷) معتقدند شرکت‌ها دارای سهامداران عمده وابسته به دولت می‌توانند از معاملات با اشخاص وابسته برای تأمین مقاصد عملیاتی و گزارشگری خود استفاده نمایند؛ زیرا این قبیل معاملات موجب سهولت انتقال منابع اقتصادی میان شرکت و طرف‌های سیاسی (سهامدار عمده وابسته به دولت) شود. به همین دلیل استفاده شرکت‌ها از معاملات با اشخاص وابسته با انگیزه‌های فرصت‌طلبانه به‌منظور انتقال منابع به اشخاص وابسته، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد.

با توجه نتایج پژوهش حاضر پیشنهادهایی برای استفاده از نتایج به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱) با توجه به تأثیر مثبت معاملات با اشخاص وابسته بر تجدید ارائه صورت‌های مالی که نشان از وجود تضاد منافع در ایـن‌گونه معاملات دارد، بـه سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا در تجزیه‌وتحلیل اطلاعات، به نقش تأثیرگذار معاملات با اشخاص وابسته در تصمیم‌گیری‌های خود توجه داشته باشند که احتمال بروز رفتار فرصت‌طلبانه مدیران از طریق انجام معاملات با اشخاص وابسته زیاد است و همین امر احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی را بالا می‌برد.

۲) با توجه به تأثیر کاهشی ارتباطات سیاسی (اندازه‌گیری شده به‌وسیله مالکیت نهادی دولت) بر رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی که تأییدی بر نقش نظارتی مالکان نهادی دارد، پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها در جهت تقویت این‌گونه سرمایه‌گذاران در شرکت باشند و سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان نیز در هنگام اخذ تصمیم‌های خرید و فروش سهام و اعطای تسهیلات به واحدهای

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

تجاری، درصد سهام در اختیار مالکان نهادی دولت را به‌عنوان یکی از متغیرهای تصمیم در نظر داشته باشند.

۳) با توجه به تأثیر افزایشی ارتباطات سیاسی (اندازه‌گیری شده به‌وسیله سهامدار عمده وابسته به دولت) بر رابطه مثبت بین معاملات با اشخاص وابسته و تجدید ارائه صورت‌های مالی، پیشنهاد می‌شود نهادهای تدوین‌کننده استانداردها و قانون‌گذاران به‌منظور حمایت از حقوق سایر سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، استانداردها و قوانینی برای الزام شرکت‌ها به افشای بیشتر محتوای اقتصادی معاملات با اشخاص وابسته بخصوص سرمایه‌گذاران عمده وابسته به دولت وضع نمایند تا از این طریق شفافیت اطلاعات صورت‌های مالی افزایش پیدا کند و سرمایه‌گذاران با دید بهتر نسبت به تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری اقدام نمایند.

۱۱- منابع

اخگر، محمدامید و آرزو علیخانی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ارائه مجدد صورت های مالی بر ریسک اطلاعاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه حسابداری مالی** ۶(۲۲): ۸۸-۶۸.

حاجیها، زهره و عادله آزادزاده. (۱۳۹۷). معاملات غیر نقدی و غیرعملیاتی با اشخاص وابسته و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی اندازه موسسه حسابرسی. **دانش حسابداری مالی** ۵(۱): ۷۸-۵۳.

حساس یگانه، یحیی و سمیه تقی زاد. (۱۳۹۴). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و مالی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **تحقیقات مالی** ۱۷(۱): ۵۸-۳۹.

خواجوی، شکرالله؛ محمدحسین قدیریان‌آرانی و حسن فتاحی نافچی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه کیفیت سود و تعدیلات سنواتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **بررسی‌های حسابداری** ۳(۱): ۳۹-۱۹.

رضازاده، جواد و عبداله محمدی. (۱۳۹۸). توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبانه. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۲۶(۲): ۲۳۸-۲۱۷.

رضایی، فرزین و ثریا ویسی حصار. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۲۱(۴): ۴۷۰-۴۴۹.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

رضایی، فرزین و لیلا افروزی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی. **فصلنامه پژوهش حسابداری** ۵(۱): ۱۱۲-۸۵.

رهنمای رودپشتی، فریدون و عبدالرضا محسنی. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **دانش مالی تحلیل اوراق بهادار** ۱۱(۳۸): ۱۴۴-۱۲۹.

سوری، علی. (۱۳۹۳). **اقتصادسنجی پیشرفته همراه با کاربرد Stata12 و Eviews 8**. چاپ دوم. تهران: انتشارات فرهنگ شناسی.

صادقی، مرتضی و لیدا اسدی. (۱۳۹۵)، ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت کنترلی با کیفیت گزارشگری مالی. **دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری**، مازندران، بابل، موسسه علمی تحقیقاتی کومه علم آوران دانش.

صالحی‌نیا، محسن و علی تامرادی. (۱۳۹۸). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست‌های تأمین مالی. **پژوهش‌های حسابداری مالی** ۱۱(۲): ۶۰-۳۹.

عباس زاده، محمدرضا؛ جواد رجبعلی زاده و مصطفی قناد. (۱۳۹۸). ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **مطالعات تجربی حسابداری مالی** ۱۶(۶۳): ۱۵۵-۱۲۹.

عبداله نژاد خلیل‌آباد، رضا؛ مهدی صالحی و محمود تورچی. (۱۳۹۹). تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** مقالات آماده انتشار. https://jera.alzahra.ac.ir/article_4738.html.

محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. **مهندسی مالی و اوراق بهادار تهران** ۹(۳۴): ۲۹۱-۲۷۳.

موسوی، رضا؛ حسین جباری و عباس طالب بیدختی. (۱۳۹۴). حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورت‌های مالی. **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی** ۷(۲۵): ۱۲۶-۱۰۳.

مهربان پور، محمد؛ محمد جندقی قمی و منصور محمدی (۱۳۹۶)، بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر به‌کارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته. **فصلنامه حسابداری و ارزشی** ۲(۳): ۱۶۸-۱۴۷.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

نبی زاده، فهیمه و مجتبی ابـراهیمی رومنجان. (۱۳۹۹). بـررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی. **چشم‌انداز حسابداری و مدیریت** ۳(۲۲): ۸۱-۶۰.

نجفیان، خدیجه و مهدی صفری گرایلی. (۱۳۹۶). معاملات با اشخاص وابسته و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی: آزمون تجربی نظریه تضاد منافع، **فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت** ۱۰(۳۵): ۹۰-۷۷.

نیکومرام، هاشم؛ بهمن بنی مهد؛ فریدون رهنمای رودپشتی و علی کیائی. (۱۳۹۲). اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی. **فصلنامه دانش حسابرسی** ۱۲(۵۰): ۴۱-۵۵.

واعظ، علی؛ ابراهیم انوری و محمد بنافی. (۱۳۹۵). تأثیر ساختار مالکیت بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری. **فصلنامه حسابداری مالی ۸(۳۱)**: ۱۰۱-۱۳۲.

Abdoli, M., A. Ghorbani & M. Eskandari. (2014). Earnings Management with Restatement income Statement; TSE Corporation. **Journal of Educational and Management Studies** 4 (2): 224-227.

Abdul Rasheed, P., T. Mallikarjunappa & K. Thomachan. (2019). Promoter Ownership, Related Party Transactions and Firm Performance: A Study Among Select Companies in India. **FIIB Business Review** 8(3): 205–217.

Alam, Q., & J. Teicher. (2010). **State of governance in a transitional democracy: the case of Bangladesh**, Working Paper, Monash University, Australia.

Bliss, M., & F.A. Gul. (2012). Political connections and cost of debt: Some Malaysian evidence, **Journal of Banking & Finance** 36(1): 1520–1527.

Chaney, P.K., M. Faccio & D. Parsley. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. **Journal of Accounting and Economics** 51(1): 58-76.

Chwee Ming, M. (2018). Political connections and the cost of debt: Re-examining the evidence from Malaysia. **Journal of Multinational Financial Management**, https://doi.org/10.1016/j.mulfin.2018.05.003.

Corlacia, A., & A. Tudor. (2011). Related Party Transaction Overiew. **Annales Universitais Series Oeconomica** 13(2): 248-241.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

Cull, R., W. Li, B. Sun & L.C. Xu. (2015). Government connections and financial constraints: evidence from a large representative sample of Chinese firms. **Journal of Corporate Finance** 32(1): 271-294

Daie, M., & S. Hasnan. (2016). Related party transactions and earnings quality: Moderating effect of corporate governance. **Browse Journals & Magazines** 21(2): 71-94.

El-Helaly, M., I. Georgiou & L. Alan. (2018). The Interplay between Related Party Transactions and Earnings Management: The role of Audit Quality. **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation** 32(1): 47-60.

Faccio, M. (2010). Differences between politically-connected and non-connected firms: a cross country analysis. **Financial Management** 39(3): 905-928.

Fang, J., G. Lobo, Y. Zhang & Y. Zhao. (2018). Auditing Related Party Transactions: Evidence from Audit Opinions and Restatements**. Journal of Practice & Theory** 37(2): 73-106.

Frye, T., & A. Shleifer. (1997). The invisible hand and the grabbing hand. **The American Economic Review** 87(2): 354-358.

Gao, W., Z. Huang & P. Yang. (2019). Political connections, corporate governance and M&A performance: Evidence from Chinese family firms. **Research in International Business and Finance** 50(1): 38-53

Gordan, E.A., A. Elizabeth & H. Elaine. (2005). Related Party Transactions and Earnings Management. Rutgers univers it y. Retrieved from **http://papers.ssrn.com**

Gordon, E.A., E. Henry & D. Palia. (2004). Related party transactions: Associations with corporate governance and firm value. **European Finance Association Annual Conference** 2(1): 1-59.

Habib, A., & A.H. Muhammadi. (2018). Political connections and audit report lag: Indonesian evidence. **International Journal of Accounting & Information Management** 26(1): 59-80.

Habib, A., A. Al-Hadi, K. Al-Yahyaee & B. Eulaiwi. (2017). Joint audit, political connections and cost of debt capital. **International Journal of Auditing** 21(3): 249-270.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

Habib, A., A. Muhammadi & H. Jiang. (2017). Political Connections and Related Party Transactions: Evidence from Indonesia. **The International Journal of Accounting** 52(1): 45-63.

Habib, A., D. Ranasinghe, A.H. Muhammadi & A. Islam. (2018). Political connections, financial reporting and auditing: Survey of the empirical literature. **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation** 31(1): 37-51.

Hasnan, S., & A. Hussain. (2015). Factors Associated with Financial Restatements: Evidence from Malaysia. **Jurnal Pengurusan** 44(1): 105-116.

Hasnan, S., R.A. Rahman & S. Mahenthiran. (2013). Management motive, weak governance, earnings management, and fraudulent financial reporting: Malaysian evidence. **Journal of International Accounting Research** 12(1): 1-27.

Henry, E., E.A. Gordon, B. Reed & T. Louwers. (2012). The role of related party transactions in fraudulent financial reporting. **Journal of Forensic & Investigative Accounting** 4(1): 186-213.

Houston, J.F., L. Jiang, C. Lin & Y. Ma. (2014). Political connections and the cost of bank loans. **Journal of Accounting Research** 52(1): 193-243.

Jiang, H., H. Habib & D. Zhou. (2015). Accounting restatements and audit quality in China. Advances in Accounting, **incorporating Advances in International Accounting** 31(1): 125-135.

Khan, A., G. Dessalegn, M. Mihret & B. Muttakin. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality. **International Journal of Accounting & Information Management** 24(4): 357 – 374

KhosroKhah, M., H. Salari & A. Amiri. (2018). Institutional Ownership Structure; Mediator Role in Related Party Transactions and Corporate Profit Management, **Academic Journal of Accounting and Economic Researches** 7(1):18-24.

Kohlbeck, M., & B.W. Mayhew. (2017). Are Related Party Transactions Red Flags?, **Contemporary Accounting Research** 34(1): 900-928.

Kusnadi, Y. (2019). Political connections and the value of cash holdings. **Finance Research Letters** 30(1): 96-102.

Leng, L., Z. Xiaorong, L. Quanxi, S. Pingping & Z. Haijiane. (2016). Political connections, overinvestments and firm performance:

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

Evidence from Chinese listed real estate firms. **Finance Research Letters** 18(1): 328-333.

Li, M., X. Sun, Y. Wang & H. Turner. (2019). The impact of political connections on the efficiency of China's renewable energy firms. **Energy Economics** 83(1): 467-474.

Liu, Y., X. Li & H. Zeng. (2016). Political connections, auditor choice and corporate accounting transparency: evidence from private sector firms in China. **Accounting and Finance** 22(1): 1-28.

Maaloul, A., R. Chakroun & S. Yahyaoui. (2018). The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution. **Journal of Accounting in Emerging Economies** 8(2): 185-204.

Maigoshi, Z.S., R. Abdul Latifa & K. Kamardina. (2016). Related Party Transactions and Earnings Management. **International Conference on Soft Science** http://dx.doi.org/10.15405/epsbs.2016.08.8.

Marchini, P.L., T. Mazza & A. Medioli. (2018). The impact of related party transactions on earnings management: some insights from the Italian context. **Journal of Management and Governance** 22(4): 981–1014.

MIA. (2008). **International Standard on Auditing 550**. Nature of Related Party Relationships and Transactions. Malaysia, IFAC: 0-24.

Ming Tee, C., F. Gul & Y. Foo. (2017). Institutional Monitoring, Political Connections and Audit Fees: Evidence from Malaysian Firms. **International Journal of Auditing** doi: 10.1111/ijau.12086

Nelly Sari, R., & R. Anugerah. (2011). The Effect Of Corporate Transparency On Firm Performance: Emperical Evidence From Indonesian Listed Companies. **Modern Accounting and Auditing** 7(8): 773-783.

Sharma, P., L. Cheng & T. Leung. (2020). Impact of political connections on Chinese export firms' performance – Lessons for other emerging markets. **Journal of Business Research** 106(1): 24-34.

Sharma, S., R.M. Durand & O. Gur-Arie. (1981). Identification and analysis of moderator variables. **Journal of Marketing Research** 18(3): 291-300.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]

Sievers, S., & C. Sofilkanitsch. (2018). **Financial Restatements: Trends, Reasons for Occurrence, and Consequences**. A Survey of the Literature. Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=3231740.

Su, Z.Q., H.G. Fung & J. Yau. (2013). Political connections and corporate overinvestment: Evidence from China. **International Journal of Accounting and Information Management** 21(4): 285-296.

Supatmi, S., T. Sutrisno, E. Saraswati & P. Bambang. (2019). The effect of related party transactions on firm performance: the moderating role of political connection in indonesian banking. **Business: Theory and Practice** 20: 81-92. https://doi.org/10.3846/btp.2019.08.

Tariverdi, Y., Z. Lashgari & M. Jalalpour. (2014). Investigations of effect of institutional shareholders, ownership concentration, return of assets and discretionary accruals on restatement of financial statements. **International Research Journal of Applied and Basic Sciences** 8(8): 986-992.

Wang, X., M. Feng & X. Xu. (2019). Political connections of independent directors and firm internationalization: An empirical study of Chinese listed firms, **Pacific-Basin Finance Journal** 58(1): 191-205.

Yu, X., Y. Yao, H. Zheng & L. Zhang. (2019). The role of political connection on overinvestment of Chinese energy firms, **Energy Economics**, https://doi.org/10.1016/j.eneco.2019.104516.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.23452617.1400.13.49.2.7]
[DOI: 10.52547/qfaj.13.49.1]